



## چرخش یک نسخه خطی در قرن دوازدهم هجری از مدینه منوره یا مشهد رضوی

رسول جعفریان

**چکیده:** تمرکز نویسنده در نوشتار حاضر بر نسخه خطی از قرن دوازدهم هجری متعلق به یحیی بن السید علوی است که به عبدالکریم خلیفتی العباسی، هبه شده است. کتاب مذکور که در میان میراث برجای مانده این خاندان بوده، ۴۰ سال بعد، توسط یکی از سادات خاندان برزنجی مدینه خریداری شده و به عبدالجواد بن محمدمهدی حسینی مشهدی فروخته شده است. به این ترتیب، کتاب از مدینه به مشهد انتقال یافته است.

**کلیدواژه:** نسخه خطی، مدینه، مشهد، یحیی بن السید علوی، عبدالکریم خلیفتی العباسی، خاندان برزنجی، عبدالجواد حسینی مشهدی، خاندان خلیفتی العباسی.

## A Twelfth-Century Manuscript's Relocation from Medina to Mashhad

By: Rasool Ja'fariān

**Abstract:** In the present article, the author focuses on a 12<sup>th</sup> century manuscript which belonged to Yahyā bin al-Seyyed Alavi, and was given as a gift to Abdulkarim Khalīfati al-Abbāsi. Forty years later, the mentioned book, which was among the left heritage of this family, was purchased by one of the Sādāts of Barzanji family in Medina, and sold to Abduljād bin Muhammad Mahdi Hosseini Mashhadi. In this way, the book has been moved from Medina to Mashhad.

**Key words:** Manuscript, medina, Mashhad, Yahyā bin al-Seyyed Alavi, Abdulkarim Khalīfati al-Abbāsi, Barzanji family, Abduljād bin Muhammad Mahdi Hosseini Mashhadi, Khalīfati al-Abbāsi family.

## انتقال إحدى النسخ الخطية من القرن الثاني عشر الهجري من المدينة المنورة إلى المشهد الرضوي

رسول جعفریان

خصّص الكاتب مقاله الحالي للمحدث عن إحدى النسخ الخطية التي يعود تاريخها إلى القرن الثاني عشر الهجري، وهي تعود إلى يحيى ابن السيد علوي الذي أهداها إلى عبد الكريم خلیفتی العباسی.

وقد تمّ بيع هذا الكتاب الذي بقي محفوظاً ضمن المجموعة التي توارثتها هذه العائلة بعد أربعين سنة إلى أحد السادة من آل البرزنجی في المدينة المنورة والذي باعه بدوره إلى عبد الجواد بن محمد مهدي الحسيني المشهدي.

وبهذا يكون الكتاب قد انتقل من المدينة إلى مشهد.

**المفردات الأساسية:** النسخة الخطية، المدينة، مشهد، يحيى بن السيد علوي، عبد الكريم خلیفتی العباسی، أسرة البرزنجی، عبد الجواد الحسيني المشهدي، أسرة خلیفتی العباسی.

# چرخش یک نسخه خطی در قرن دوازدهم هجری از مدینه منوره تا مشهد رضوی

رسول جعفریان

## خاندان خلیفتی العباسی در مدینه منوره

خاندانی در قرن دوازدهم هجری در مدینه می‌زیسته که به نام «الخلیفتی العباسی» شهرت داشته است. در پاورقی کتاب المدینه المنوره بین الادب و التاريخ، ص ۴۶، ۱۰۵ به نقل از تحفة المحبین، ص ۲۰۱ آمده است که نخستین بار از این خاندان فردی به نام الشیخ عبدالوهاب الخلیفتی العباسی در سال ۹۹۰ به مدینه آمده است. این درست است و علی القاعده مانند غالب خاندان‌های برجسته علمی مدینه باید از نقطه‌ای دیگر به مدینه آمده باشند. این شهرت نشان می‌دهد که آنها مدعی انتساب به عباس بن عبدالمطلب بوده و خود را از بقایای خاندان عباسی می‌دانسته‌اند. شاهد آنکه در یکی از اعضای این خاندان عبدالله زین العابدین رساله‌ای با عنوان «التحفة الزهریة فی المناقب العباسیة» در کتابخانه عارف حکمت<sup>۱</sup> بر جای مانده که نشانگر علاقه آنها به اجدادشان است.

از عبدالوهاب حنفی که بگذریم، چهره‌هایی از این خاندان را می‌شناسیم. افرادی که ریاست مذهب حنفی را در این شهر در قرن دوازدهم هجری بر عهده داشته‌اند. می‌دانیم که عالمان مدینه در طول قرون، مهاجر از شهرهای دیگر بودند. مالکی‌ها از مغرب می‌آمدند، حنفی‌ها غالباً از ماوراءالنهر و هند، شافعی‌ها از عراق یا مصر. حنابله هم که از نجد و بعضاً از عراق بودند.

چهره معروف منتسب به خاندان «الخلیفتی العباسی» عبدالکریم بن عبدالله الخلیفتی العباسی (متولد ۱۰۷۰) است که منصب افتای حنفی‌ها را بر عهده داشته است. از وی آثار فقهی هم بر جای مانده و شرح حال او در تراجم اعیان المدینه المنوره فی القرن الثانی عشر، [مؤلف ناشناخته، بیروت، ۱۴۲۹ق]، ص ۷۲ آمده است. وی اهل شعر نیز بوده و همان جا اشعاری از وی آمده است. شرح حال وی در سلک الدرر، ۳، ۶۶ هم آمده و درگذشت او در سال ۱۱۳۳ در مدینه بوده است. برادر وی محمد بن عبدالله الخلیفتی العباسی بوده که عالم و خطیب و در ضمن شاعر بوده است. وفات وی در شهر مدینه و به سال ۱۱۳۰ بوده است.<sup>۲</sup> کتابی هم با عنوان غایة المرام للسانل عن احکام البلد الحرام از وی باقی مانده است.<sup>۳</sup>

عبدالله فرزند عبدالکریم پیش‌گفته هم در سال ۱۰۹۴ در مدینه به دنیا آمده، پیش پدرش و دیگر استادان مدینه درس خوانده و بعدها امام جماعت مسجد نبوی شده است. وی مقام افتای حنفی‌های این شهر را بر عهده داشته است. او نیز اهل سرودن شعر بوده و سال ۱۱۵۴ درگذشته است. فرزندش محمد زین العابدین بن عبدالله بن عبدالکریم الخلیفتی العباسی در سال ۱۱۳۰ در مدینه به دنیا آمده و او نیز عالم، امام مسجد نبوی و دارای مقام افتای در مدینه بوده و شب عرفه سال ۱۱۸۲ درگذشته است.<sup>۴</sup>

۱. نشریه نسخه‌های خطی، ۴۷۳/۵.

۲. تراجم اعیان المدینه المنوره فی القرن الثانی عشر، ص ۷۳.

۳. معجم ما لک عن مکة، ص ۸۷.

۴. تراجم اعیان المدینه المنوره فی القرن الثانی عشر، ص ۷۶.

افزون بر این اطلاعات، نسخه‌ای از شرح مقامات حریری (از استاد لغوی نحوی ابوالعباس احمد بن عبدالمؤمن بن عیسی بن موسی بن عبدالمؤمن قیسی شریسی) را می‌شناسیم (۹۹۰ صفحه که به شماره ۶۳۲۲ در دانشگاه نگهداری می‌شود) که متعلق به این خاندان بوده و توسط یک عالم ایرانی از اهالی مشهد، در اوایل قرن سیزدهم خریداری و به ایران منتقل شده است.

این شرح، نسخه‌ای است با ارزش، مبسوط که از رنگ مشکی و قرمز برای نگارش متن آن استفاده شده و به جز فریم ۲۵۲ تا ۲۶۲ که به خط دیگری و زیباتر است، باقی آن به یک خط نوشته شده است. نسخه مع‌الاسف تاریخ ندارد و محتمل است که از قرن یازدهم یا اندکی پیش از آن باشد.

#### یادداشت‌های روی صفحه نخست نسخه

بسیاری از نکاتی که ما درباره شرح حال علما و خاندان معروف می‌دانیم، از روی آگاهی‌هایی است که از یادداشت‌های پشت نسخه‌ای به دست می‌آوریم. در اینجا با یک تجربه جالب روبرو هستیم و آن این است که روی صفحه اول این کتاب که شرح مقامات حریری است، چندین یادداشت دیده می‌شود.

نخستین یادداشت نشان می‌دهد که نسخه از شخصی به نام یحیی بن السید علوی بوده است:

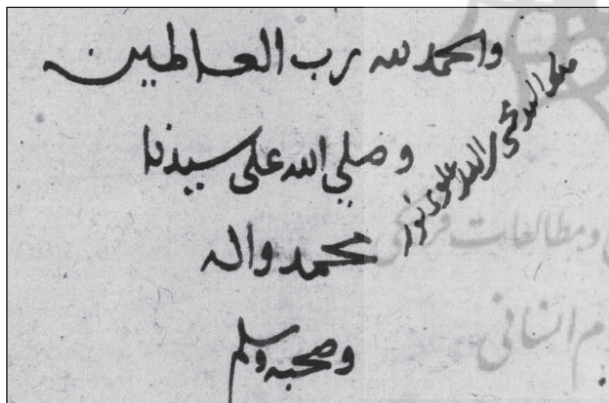
ملک الفقیر:

دخل فی ملک افقر العباد یحیی بن السید العلوی نور غفرالله لهما امین.

در پایان رساله هم یادداشت کوچکی هست که این ملکیت را تأیید می‌کند:

ملک السید یحیی بن السید علوی نور.

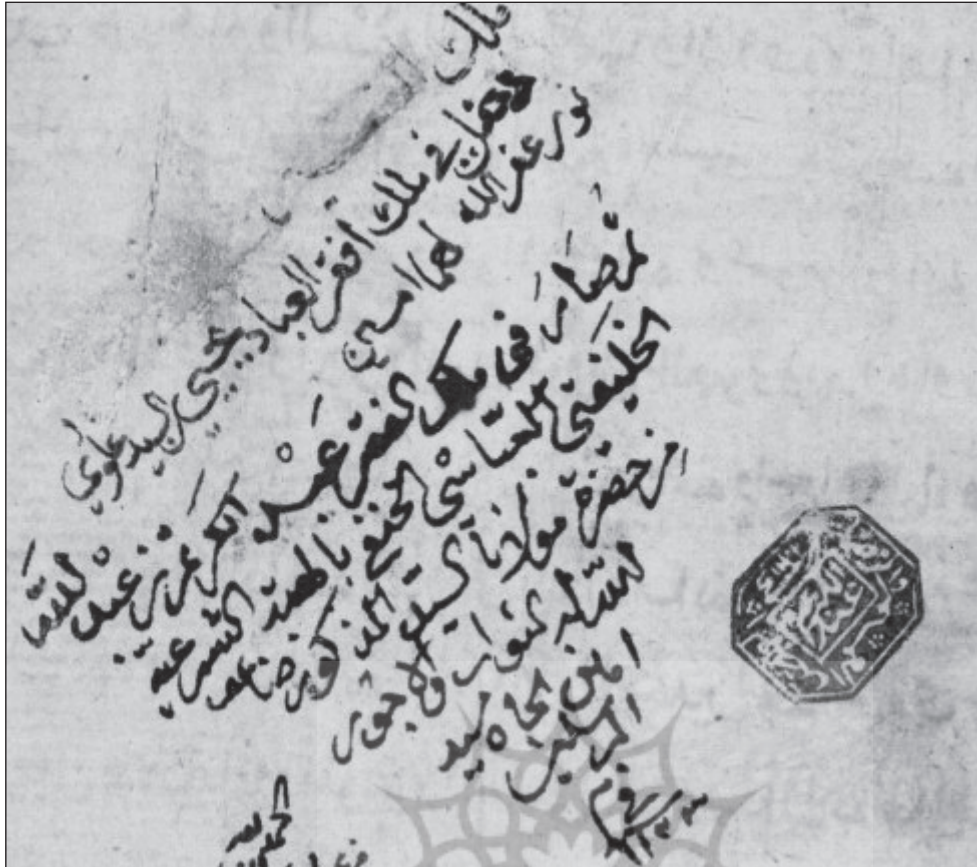
هیچ کدام از این دو یادداشت تاریخ ندارد.



از یادداشت بعد از آنچه به نام مالک اولیه، یعنی یحیی روی صفحه آمده، چنین برمی‌آید که او که از سادات مدینه و شاید از مهاجرین یمن بوده و این نسخه را به عبد‌الکریم خلیفتی العباسی هبه شده است. یادداشت بعدی از همین عبد‌الکریم چهره برجسته همین خاندان الخلیفتی العباسی است:

ثم صار فی ملک الفقیر عبد‌الکریم بن عبد‌الله الخلیفتی العباسی الحنفی بالهبة الشرعی من حضرة مولانا السید المذكور ضاعف الله له الثواب والاجور آمین بجاه سید المرسلین فی سنة ۱۱۲۳.

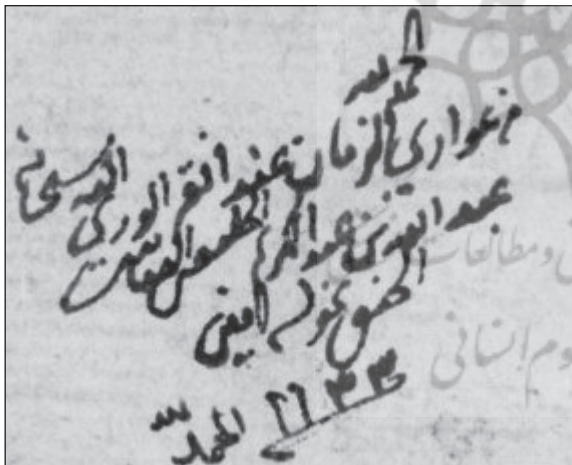
در اینجا مهر عبد‌الکریم هم دیده می‌شود.



زیر آن یادداشتی از پسر عبدالکریم، عبدالله آمده است:

الحمد لله من عواری الزمان عند اقرار الوری الیه سبحانه  
عبدالله بن عبدالکریم الخلیفتی العباسی الحنفی غفرله  
آمین. سنه ۱۱۴۳.

پس از آن یادداشتی از پسر او محمد زین العابدین [نواده عبدالکریم] آمده  
است:



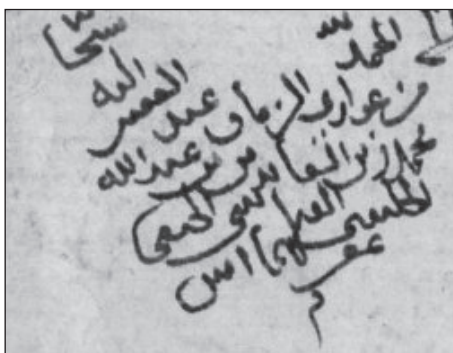
الحمد لله

من عواری الزمان عند الفقیر الیه سبحانه محمد  
زین العابدین بن عبدالله الخلیفتی العباسی الحنفی  
غفرلهما آمین.

یادداشت اخیر تاریخ ندارد.

چنان‌که در متن بالا گفته شد، او در سال ۱۱۸۲ درگذشته است. سرنوشت این خاندان  
پس از وی چگونه بوده است؟ بر من روشن نیست. چهل سال بعد، این کتاب که در  
میان میراث برجای مانده این خاندان بوده توسط یکی از سادات خاندان برزنجی مدینه  
خریداری شده است:

ثم اشتريته من تركة الافندی عبدالله الخلیفتی وانا الفقیر الیه سبحانه  
السید محمد اسماعیل البرزنجی عفی عنه سنه ۱۲۲۲.



این شخص به احتمال اهل خرید و فروش کتاب بوده و همان سال کتاب را به یک دانشمند ایرانی فروخته است. این شخص عبدالجواد بن محمد مهدی حسینی مشهدی بوده که دو یادداشت از روی این نسخه باقی مانده و مهری هم دارد. در یادداشت اول نوشته است:

بسم الله مالک الاشياء

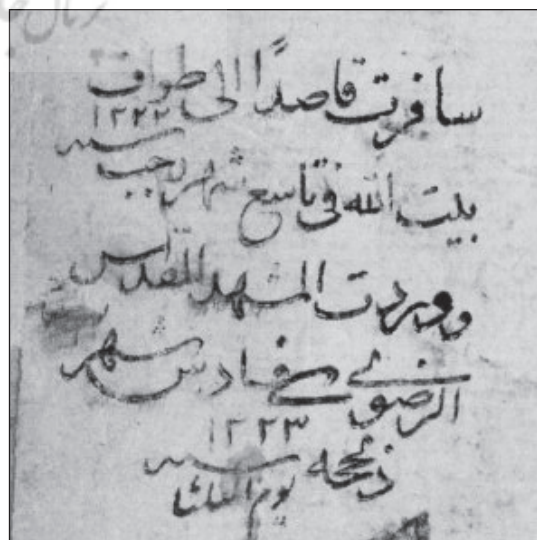
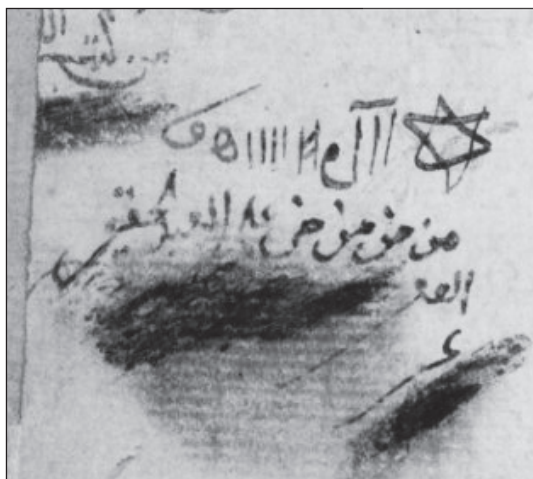
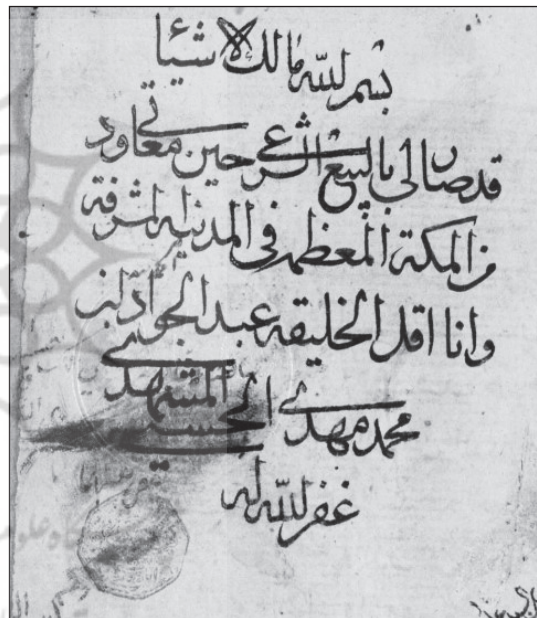
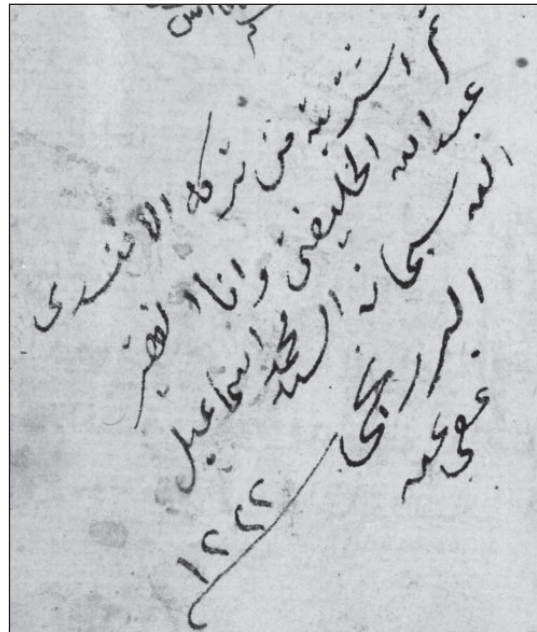
قد صار لی بالبیع الشرعی حین معاودتی من المکة المعظمة فی المدینة المشرفة، وانا اقل الخلیقة عبدالجواد ابن محمد مهدی الحسینی المشهدی غفر الله لیه.

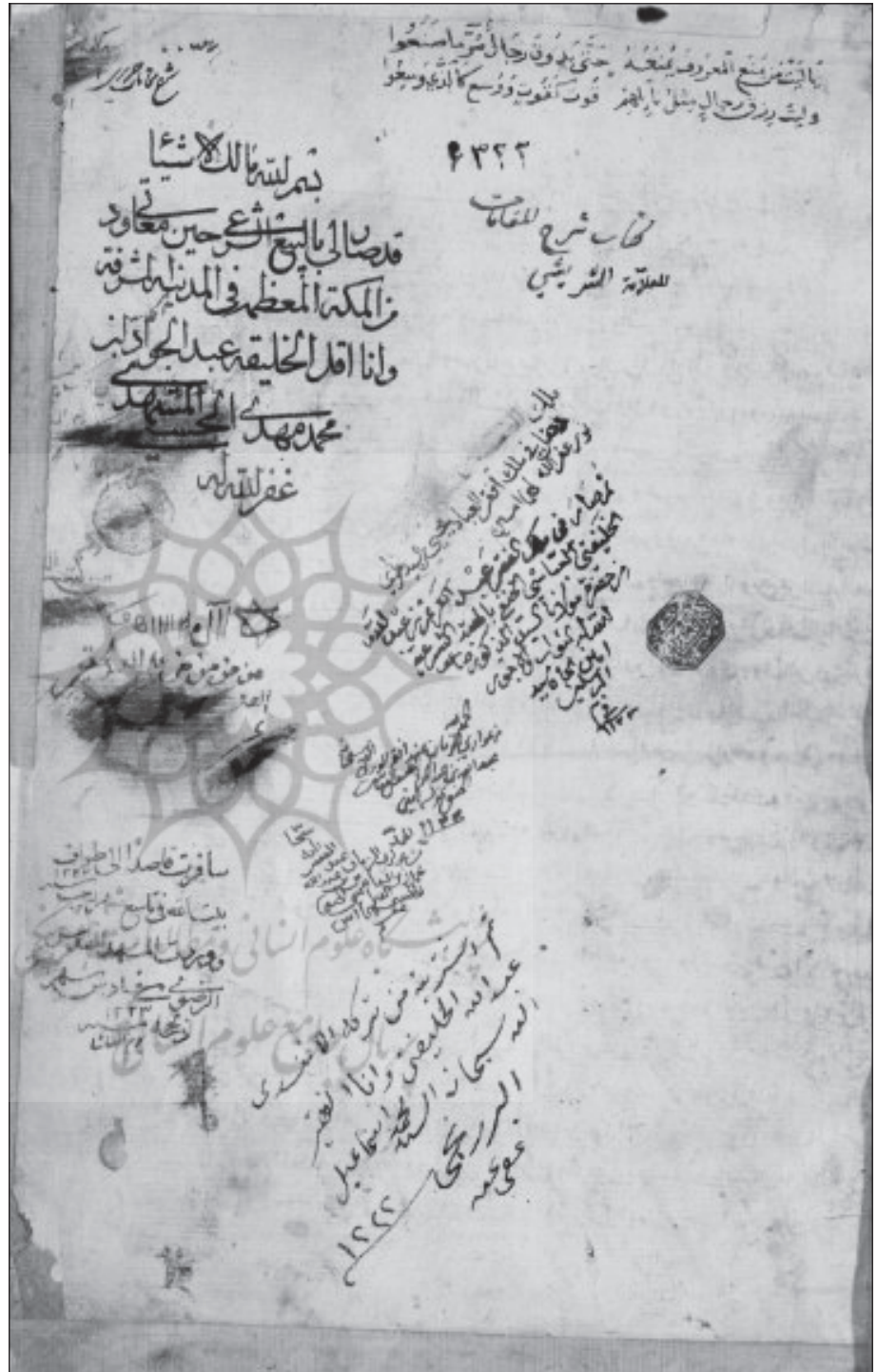
در اینجا مهراو آمده که خوانده نمی شود.

در یادداشت دوم او تاریخ دقیق سفر خود را که در سال ۱۲۲۲ بوده نوشته است: سافرت قاصدا الی طواف بیت الله الحرام فی تاسع شهر رجب سنة ۱۲۲۲ و وردت المشهد المقدس الرضوی فی سادس شهر ذی حجة سنة ۱۲۲۳ بوم الثلاثاء.

بر اساس این تاریخ، سفر او ۱۸ ماه به طول انجامیده (از نهم رجب ۱۲۲۲ تا ذی حجه ۱۲۲۳) که معلوم نیست چه قدر آن را در مکه و مدینه بوده است. هر چه هست، در یادداشت اول تصریح دارد که کتاب را در مدینه خریداری کرده و علی القاعده به خاطر فاصله کم میان مالک شدن برزنجی نسبت به کتاب و خریداری این عالم مشهدی، به احتمال مستقیماً از همو خریداری کرده است.

یادداشت دیگری هم روی صفحه اول هست که بخشی از آن سیاه شده و گویا عمداً چنین شده است. آنچه باقی مانده و بالای آن هم حرزی از حروف معهود در این زمینه آمده و کلمه ای هم با تعبیر «من کتب...» دیده می شود. تصویر این بخش را هم در زیر می آورم.





۳۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَرْتِيبًا لِتَسْرُوعِ الْاِعْتِسَابِ بِأَكْرَمِ  
 قَالِ الشَّيْخِ الْاِسْتَاذِ وَاللَّغْوِيِّ الْخَوِيِّ ابْنِ الْاَبَسِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْمَنِ  
 ابْنِ عَسِيْبِ بْنِ مَوْسَى بْنِ عَبْدِ الْمُؤِنِّ الْقَيْسِيِّ الشَّرِيفِيِّ رَحِمَهُ اللهُ عَسِيْبُ بْنُ مَوْسَى  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لِيْخْتَصِرَ هَذِهِ الْاِمَّةَ مَا فَتَحَ الْاَلْسِنَةَ وَفَتَحَ الْاَذْهَانَ، وَشَرَّعَ لَهَا الْاِفْتِنَارَ  
 فِيْ سَالِبِ الْبِلَاقَةِ وَالْبَيَانِ، وَبَيَّنَّ بِسَبَابِ الْاَمِّ بِالْمَنْتَرَةِ الْمُنْفِقِ الْفَقْرَ وَالنُّظْرَ الْمَعْتَدِلَ الْاَوْتَرَانَ  
 بِحَمْدِهِ عَلَى اَيْدِيْهَا، وَالسَّنَةَ اَطَالَ فِيْ بِنَاؤِهَا وَبِالْبَلَاغَةِ مَدَاهَا، وَنَصَبَ عَلَى سِدْرِ الْمَسْلُوبِ  
 وَخَيْرَةِ الْعَالَمِيْنَ الَّذِي حَتَمَتْهُ نَبُوْتُهُ الْعَامَّةُ النُّبُوَّةَ، وَنَحَتْهُ شَرِيْعَتُهُ الْاَتَمَّةُ كَلِمَةَ الْمَسْئُوْمَةِ  
 مُحَمَّدٍ سَيِّدِ هَذِهِ الْعَالَمِ، وَالْمَخْصُوْمِ بِعِلْوِ الْاِحْكَافَةِ وَعُمُوْمِ الدِّيَانَةِ فِيْ وِلْدَانِهِ، وَعَلَى اَلَمِ  
 وَصَحْبِهِ الَّذِيْنَ تَتَرْتَّبُ وَهِيَ وَفَرَّهَ وَوَأْوَى وَهِيَ الْاَبْوَابُ وَالْمَوْفِقِيْنَ بِالْمَعْبُوْدِ وَنَعَزَهُ، وَنَقَلُوْا شَرِيْعَتَهُ الْاَكْرَمَ نَقْلَ  
 النُّوَارِ وَالنُّزُوْدِ، وَاسْمُهَا سَلِيْمَةٌ، وَاَنَا هُمْ مِنْ لَدُنْهِ رَحْمَةً وَاحْرَامًا عَظِيْمًا، وَرَضِيَ عَنِ الْاِسْمِ الْعَصُوْبِ  
 الْمُهْدِيِّ الْمَعْلُوْمِ، مُحَمَّدٍ مَعْلَمِ الدِّيَانَةِ، وَالْمَلِيْ بِاَدْوَانِ الْاَسْمَاءِ، وَالْمَشْهُوْرِ عَلَى تَعْدَابِ الزَّمَانِ  
 بِالزَّمَانِ وَالْمَطَانِ وَالْمَكَانَةِ، وَهِيَ خَلْقًا يَتَّبِعُ الرَّاسِدِيْنَ الْمُرْتَدِيْنَ اِلَى الْهَدْيِ، وَوَقَاتِلِيْنَ لَهُ فِيْ شَرَفِ  
 ذِكْرِ الْمَوْدِيِّ، وَالْقَابِلِيْنَ بِعَاقِبَةِ اَمْرِ الْمُعْوَدِ اَنْ يَنْبَغِيْ اِيْرَاءُ، وَنَسَأَ اللهُ تَعَالَى سَيِّدَنَا الْكَلِيْمَةَ اِيْمَانَ الْمَوْجِبِ  
 اِيْمَانَ الْخَلِيفَةِ الْاِيْمَةَ الرَّاشِدِيْنَ، سَجْدًا اِيْلَى اَعْلَانِهِ، وَنَصْرًا اِيْحْبَابِ مُلْكِهِ وَحَسْبِهِ، وَتَبْلِيْغِهِ  
 بِظَهْرِهِ وَنَصْرًا اِعْتِرَاقِهِ، حَتَّى يَنْتَظِرَ شِدَا انْ اَلْمَصَارِفِ فِيْ مَلِكِهِ وَتَزِدُ حُرُوْفُوْدِ  
 الْاَمْرِ عَلَى غَيْرِهِ، وَتَنْطَوِيْ صَمَارِ الْقُلُوْبِ وَبِحَبَابَةِ الْعِيُوْبِ عَلَى خَلْقِ طَاعَتِهِ وَالْاَسْمَاءِ  
 اَقْبَابِهِ، فَانْ الْعِلْمُ اِيْرَاجُ الْاِحْسَابِ، وَارْتِجَاحُ الْاِحْسَابِ، وَارْتِجَاحُ الْمَرْاَبَةِ، وَانْصَعُ الْمُنَاقِبِ  
 وَحِرْفَةُ اَهْلِ الْاَهْمَمِ مِنَ الْاَمْرِ، وَنَحْلَةُ ذَوِي الشَّرَفِ مِنَ السَّلَفِ، لَمْ يَتَقَلَّدْ سَلْكَهُ الْاَحْيَادُ  
 مَا جَدُوْهُ، وَلَمْ يَتَوَشَّحْ بِرُوْدِهِ الْاَعْطَفُ جَدُوْهُ فِيْ طَلَبِ الْعَالِجِ اِيْحْبَابِهِ، وَلَمْ يَسْتَحْقِ اِسْمَهُ اِلَّا الْوَاحِدُ  
 الْعَدُوْدُ الْوَاحِدُ، وَهُوَ اِنْ تَشَعَّبَتْ اَقَانِيْسُهُ، وَتَوَسَّعَتْ دَوَابِنُهُ، فَحَلَمَ الْاَدْبَاءُ عَلَيْهِ، وَالْاَشْرَ الَّذِي  
 تَبَيَّنَ عَلَيْهِ كَلِمَةُ، وَالرُّوْحُ الَّذِي يَخْتَفِ فِيْ مَسْدَانِ الطَّرِيقِ قَلْبِهِ، وَذَلِكَ كَانَ اَوَّلِيْ مَا اقْتَرَحَهُ الْقَرَايِحُ  
 وَالْحَلِيْمُ مَلْحَحُ اِلَيْهَا كَوَاجِحُ، فَدَرُوْا اَلْاَخْطَارَ فِيْ سَابِغِ الْاَفْطَارِ بِنَسْفِ اَسْمَانِهِ، وَتَصَانُوْا  
 فِيْ عَالِيْ اَنْبَاءِهِ، وَرَبَّاحُوْنَ اَلْوَصَالِ عِنْدَ تَابِلِيْفِهِ، وَبَسْرَتُ كَوْنِ اِلَى اَعْبَادِهِ الْمَلْذُوْدِ، وَتَكَا لِيْفَةُ  
 فَانْ يَسْمَامُ الْمَنْظُوْمِ وَالْمَنْتُوْرِ، وَقَوْلُهُمْ نَطَقَ الْاَلْسِنَةَ وَفَكَرَ الصَّدُوْرَ، وَمَنْشَطُ الْمَقَالِ مِنْ عَفَا لِ  
 الْعَضَاةِ، وَمَسِيْرُ الْاَقْدَارِ بِالْمَهَابَةِ وَالنَّهَابَةِ، وَلَمْ يَزَلْ فِيْ الْعَصْرِ مِنْ حَمَلِنِهِ مَبْدَرُ طَالِعِ

عَلِيٌّ رَجِيْبٌ  
 عَلِيٌّ رَجِيْبٌ  
 اَبُو جَدِ  
 وَتَوَشَّحَتْ